

وضعیت کشورهای اسلامی در بهره‌مندی از منابع زکات در نظام تأمین اجتماعی^۱

محمدباقر امتی^۲

چکیده

هدف: مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر بررسی نحوه مدیریت منابع مالی دینی در کشورهای اسلامی و تلاقی نظام مصارف آن با نظام‌های تأمین اجتماعی است. کشورهای مورد بررسی عبارت‌اند از: مالزی، اندونزی، پاکستان، عربستان که به شکل تفصیلی مورد توجه قرار گرفتند. علاوه بر این تجربه سایر کشورهای اسلامی نظیر اردن، کویت، مصر، فلسطین، لیبی، بنگلادش، بحرین و یمن نیز مدنظر قرار گرفته است.

روش: در این پژوهش از روش مطالعات تطبیقی به منظور بررسی تجربه کشورهای اسلامی در سازمان‌دهی زکات و نسبت آن با مصارف مربوط به تأمین اجتماعی (به معنای اعم) استفاده شده است. نتیجه: در نهایت دسته‌بندی از وضعیت این کشورها از منظر نظام‌های بهره‌مندی از زکات به دست آمد. معیارهای مهم برای این دسته‌بندی وضعیت قانون زکات، سازمان‌های متصدی زکات، کیفیت توزیع زکات و در نهایت مصرف زکات و نسبت آن با تأمین اجتماعی است.

سه الگو به دست آمده عبارت‌اند از: الگوی جامع اجباری، الگوی اختیاری، الگوی عرفی. الگوهای مختلف کشورهای اسلامی در هریک از این سه دسته، همچنان دارای تمایزهای جزئی است که سعی شده است به شکل تفصیلی به آن پرداخته شود.

واژگان کلیدی: زکات، تأمین اجتماعی، کشورهای اسلامی، قانون زکات.

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی "امکان سنجی بهره‌مندی از وجوهات شرعی در صندوق‌های بازنشستگی ایران" است.

mbommati73@gmail.com

۲- کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی و رفاه اجتماعی، دانشگاه تهران

۱. مقدمه

پس از فروپاشی خلافت عثمانی در سال ۱۹۲۴ عموم کشورهای اسلامی که تحت حاکمیت این مرکز سیاسی سنتی اسلامی بودند، ناگهان با بحران مواجه شدند. مهم‌ترین بحران این سرزمین‌ها از این پس تعیین مدل حکمرانی و شیوه مدیریت سیاسی و اجتماعی مناطق تحت نظرشان ذیل مدل جدید حکمرانی، صورت‌بندی سیاسی دولت‌ملت، بود، اما نفوذ استعمار در این کشورها از اهمیت این بحران کاست؛ زیرا دغدغه اول کشورهای مسلمان مبارزه با نفوذ کشورهای امپریالیستی بود که در حال غارت منابع طبیعی و استثمار نیروی کار این کشورها بودند. به همین دلیل دوره مبارزات ناسیونالیستی بر ضد دولت‌های استعمارگر تا پایان جنگ جهانی دوم ادامه یافت. سیاست بین‌الملل بعد از این واقعه سهمگین، که اگرچه شعله آتش آن در قاره اروپا برافروخته شده بود ولی دود آن چشم سایر ملل جهان را نیز بی‌نصیب نگذاشته بود، به سمت به رسمیت شناختن فرایند استقلال دولت‌ملت‌های جدید رفت. از جمله این کشورها باید از ملل مسلمانی یاد کرد که پس از سال‌ها تجربه زیست سیاسی ذیل مدل سیاسی خلافت اسلامی، پس از این باید به شکل واحدهای مجزا در قالب دولت‌های ملی خود را بازیابی می‌کردند. مسئله توسعه‌نیافتگی این کشورها که در ادبیات نظری جنگ سرد به آن‌ها «کشورهای جهان سوم» یا با عبارت مؤدبانه‌تر «کشورهای در حال توسعه» گفته می‌شد، چنان با بحران‌های هویتی گره‌خورده بود که در مجموع دامی غیرقابل‌گریز را پیش روی چنین دولت‌هایی پهن می‌کرد. در منطق نظم بین‌الملل، سال‌های پس از جنگ جهانی دوم به دلیل بلوک‌بندی سفت‌وسخت جهان بین دو قطب شرق و غرب، راهکار نجات اکثر کشورها، وابستگی به یکی از جناح‌های رقیب بود. اما طی ابتکاری که برخی کشورها نظیر اندونزی، مصر و هند در پی ایجاد آن بودند، بلوک سومی تحت عنوان «کشورهای عدم تعهد» تأسیس شد. به دلیل اینکه برخی از این کشورها جزو میراث سرزمینی جهان اسلام در گذشته نه‌چندان دور بودند و به سبب ارزشمندی ایده «امت واحده» اسلامی، کشورهای اسلامی نیز در پی ساخت اتحادی جدید برآمدند.

کشور عربستان سعودی به‌عنوان پیشگام این مسیر به‌عنوان «ام القراء» جهان اسلام با برگزاری اولین «کنفرانس عمومی اسلامی» با کمک پاکستان تازه‌تأسیس و مصر در سال ۱۹۵۲ میلادی، آغازگر این مسیر جدید شد. پس از آن «سازمان همکاری اسلامی» تحت عنوان «OIC» تشکیل شد و مهم‌ترین مرکز عمل مشترک میان مسلمانان جهان شد. این نهاد اولین اجلاسیه خود را در شهر «رباط» در مراکش در سال ۱۹۶۹ برگزار کرد. نکته بسیار جالب این است که از جمله اولین مسائلی که جزو موضوعات مبتلابه کشورهای اسلامی در این دوران محسوب می‌شد و در کنفرانس نیز نقشی اساسی داشت، وضعیت اقتصاد کشورهای اسلامی در مواجهه با پدیده‌های اقتصادی و تجاری جدید بود. این دغدغه با رشد فروش نفت در سال‌های بعد اوج گرفت و متعاقباً مباحثی نظیر بانکداری، بیمه، قوانین

کار، مباحث مربوط به مالیات و گمرکات و تأمین اجتماعی نیز پیش آمد. به همین دلیل این دوره را دوران گسترش اقتصاد اسلامی می‌دانند (یوسفی، ۱۳۹۵: ۴۷۶-۴۷۵).

صورت مسئله اصلی بحران به شکل کلی از جنس تنظیم بهره‌مندی از پدیده‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مدرن در عین حفظ ارزش‌های شرعی دین اسلام و آمیختن ظرفیت سنت‌های علمی و تمدنی اسلام با زندگی اکنون مسلمان بود. به شکل ایجابی شاید مهم‌ترین مصداق باقی مانده حکومتی پس از تغییر مدل حکمرانی خلافت امر مالیات اسلامی باشد. مسئله زکات در جوامع اهل سنت با ریشه‌های درون دینی و اهمیت قرآنی خلل ناپذیرش و همچنین خمس در اجتماعات شیعی به عنوان منبع مالی ۲۰ درصدی که باید به دست فردی صلاح به مصارف مربوطه برسد، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی بود که باید در خصوص آن تعیین و تکلیف قانونی می‌شد. به همین منظور پاکستان در سال ۱۹۵۰ با تشکیل «نهاد زکات» و عربستان در سال ۱۹۵۱ با دستور ملک عبدالعزیز به دولت به منظور رسیدگی به امر زکات، درصد سازمان‌دهی جدید به امر زکات برآمدند.

ضرورت دیگری که دولت‌های اسلامی را به سمت بهره‌مندی از زکات سوق داد، علاوه بر اهمیت درون دینی زکات در منابع اسلامی، وضعیت فقر و نابسامانی اقتصادی گریبان‌گیر این کشورها است. این وضعیت هرچند با مرور زمان از تأسیس کشورهای اسلامی تا حدی بهبود یافته است اما همچنان نسبت به مناطق دیگر جهان نامطلوب تلقی می‌شود. «تصویری که آمار سازمان‌های بین‌المللی در مورد فقر و توسعه انسانی ترسیم کرده است، جهان اسلام را در میان ملت‌های بسیار عقب مانده قرار می‌دهد. تمام گزارش‌ها و مطالعات مؤید این نکته است که فقر بر کشورهای زیر منطقه صحرای افریقا و آسیای جنوبی حاکم است. اگر ما کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (۵۷ کشور) را نمایندگان جهان اسلام بدانیم، می‌بینیم که بیست و پنج کشور آن‌ها جزء پنجاه و شش کشور بسیار فقیر از منطقه زیر صحرای افریقا و آسیای جنوبی به شمار می‌روند. گزارش توسعه انسانی (۱۹۹۴) تخمین می‌زند که ۱۸۵ میلیون نفر در کشورهای سازمان کنفرانس اسلامی وجود دارند که در فقر مطلق به سر می‌برند» (زین‌العابدین، ۱۳۸۹: ۱۷). همچنان تا دو دهه بعد نیز این وضعیت پابرجا بود، در سال ۲۰۱۰ شاخص توسعه انسانی کل کشورهای اسلامی جهان از شاخص توسعه کشورهای در حال توسعه پایین‌تر بود. در این بین وضعیت کشورهای اسلامی در قاره آفریقا (۰/۵۳۱) در مقایسه با شاخص توسعه انسانی سایر کشورهای اسلامی پایین‌ترین و پس از آن کشورهای جنوب شرق آسیا (۰/۷۴۵) قرار داشتند. اما همچنان کشورهای اسلامی جنوب غرب آسیا (۰/۷۶۸) به موهبت منابع طبیعی در دسترس‌شان از وضعیت بهتری برخوردار بودند.^۱ (خاکپور، باوان پوری، ۲۰۱۰، ۱۴-۱۵)

۱- در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۲۱ نیز تنها چند کشور نفتی حاشیه خلیج فارس در رتبه ۵۰ کشور برتر جهان قرار دارند که شامل امارات متحده عربی، عربستان، بحرین و قطر است. (Human Development Report 2021, United nations Development program)

تداوم توسعه‌نیافتگی در اکثر کشورهای اسلامی و عدم همراهی مردم با مدل‌های مدرن حکمرانی حاصل نوعی از مقاومت در برابر شرایط پیچیده‌ای است که در کشورهای اسلامی قابل مشاهده است. عدم پذیرش سیاست‌گذاری رسمی دولت‌ها به‌عنوان الگوهای سیاسی مشروع و بلا تکلیفی وظایف شرعی مسلمانان در مواجهه با این مسائل، مانع از همکاری با برنامه‌های توسعه‌ای دولت‌ها شده است. از جمله مهم‌ترین مسائل مطرح در این دوران، مشکلات دولت‌ها در اخذ مالیات از شهروندان این جوامع بود. در واقع دوگانگی مالیات عرفی-ملی و مالیات اسلامی، شهروندان را در موقعیت گزینشی نسبت به نهادهای «دینی» و «دولتی» قرار داده و تسلط دولت‌ها بر عرصه حاکمیتی‌شان محقق می‌شود، تغییرات عمده‌ای نیز در این موضوع قابل مشاهده است. برای نمونه می‌توان به هم‌زمانی افزایش قیمت نفت در دهه ۷۰ میلادی و تأثیر آن در توسعه نسبی در میان این کشورهای نفتی حاشیه خلیج فارس و رشد چند کشور مسلمان در جنوب شرق آسیا اشاره داشت.

۲. بیان مسئله

با وجود موفقیت‌های نسبی دولت‌های رفاهی در خاورمیانه به‌خصوص در حوزه سوادآموزی، بهداشت و تا حدی مسکن، همچنان رشد فزاینده جمعیت این کشورها، افزایش سطح نیازها و رفاه نسبی این جوامع و موج مهاجرت جمعیت تازه شهری شده و مشکلات اجتماعی ناشی از حضور آن‌ها در سکونتگاه‌های جدید، دست دولت را برای به‌سرانجام‌رسانیدن جهش توسعه آن‌ها بسته گذاشته است. در این بین نقش منابعی نظیر زکات به‌شکل مشخص، برای تزریق منابع مالی به‌منظور حل موقت بحران‌های حاد اجتماعی قابل توجه است. البته این نکته قابل ذکر است که با وجود این موارد، همچنان بحران مشروعیت دولت‌ها و شکافی که با ملت‌های جوامع توسعه‌نیافته دارند، بعضاً راه هرگونه اصلاحی را مسدود کرده است. مقاومت نهادهای سنتی در میدان قدرت و رقابتی که با دولت برای بقای خویش دارند، مسیر سختی پیش روی دولت‌ها برای بهره‌مندی از سنت‌های بومی این جوامع قرار داده است و هرچه سازمان‌دهی این نهادها قوی‌تر باشد، چالش‌های دولت نیز افزوده می‌شود. (کارشناس و مقدم، ۱۳۹۱: ۵۳-۴۲)

بررسی تجربه کشورهای اسلامی در مواجهه با این چالش‌ها و نتایج به‌دست‌آمده در سازمان‌دهی امور اسلامی (در این پژوهش به‌شکل مشخص زکات) در قالب نهادهای عرصه دولتی، عمومی و خصوصی و مقایسه آنان از لحاظ میزان بهره‌وری می‌تواند امروزه برای آنان راهگشا باشد. همچنین اولین کنفرانس بین‌المللی زکات^۱ که در آن پیشنهاد تشکیل یک صندوق زکات را تحت حمایت سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) با شرکت تمام کشورهای مسلمان مطرح کرد؛ راه فعالیت تخصصی در این حوزه

را گشود. پس از آن برگزاری کنفرانس‌های سالانه خاص زکات در کشورهای پیش‌قراول این حوزه، به‌خصوص مالزی و اندونزی، فرایند تولید و تحلیل داده را بیش‌ازپیش نیز تسهیل کرده است.

یکی از مرسوم‌ترین حوزه‌هایی که در آن از روش‌های تطبیقی استفاده می‌شود، حوزه مطالعات رفاهی است. مارگارت می در این خصوص چنین می‌گوید: «مطالعه وضعیت رفاهی به‌طور اجتناب‌ناپذیری دربرگیرنده پاره‌ای از مقایسه‌ها بین عملکرد کنونی و گذشته یا مقایسه بین روش‌های گوناگون برطرف‌ساختن نیازها یا بهبود سیاست‌های موجود است. چنین مقایسه‌هایی همواره نمی‌تواند واضح و آشکار باشد و ارزش‌های بنیادین هر سیاستی متفاوت است اما مقایسه‌ها برای رشته‌ای که دغدغه‌اش ارزشیابی تمهیدات رفاهی است بسیار حائز اهمیت است». همچنین اضافه می‌کند که کارکرد این شیوه تحقیق که بعد از رویش دولت‌های رفاهی پس‌اجنگ دوم مرسوم شد چنین است: «مطالعه تطبیقی از منظری عمل‌گرایانه‌تر به‌دنبال بهبود نحوه فراهم‌سازی رفاه در یک کشور از رهگذر ترسیم تجارب کشورهای دیگر و ارزیابی پیامدهای به‌کارگیری نظام‌های مختلف برای افراد و کل جامعه موردنظر است.» (الکاک، ۱۳۹۱: ۳۳۷ - ۳۴۱)

کشورهای سرآمد در حوزه زکات و مصرف آن در نظام تأمین اجتماعی در تحقیق حاضر عبارت‌اند از: عربستان سعودی، جمهوری اسلامی پاکستان، مالزی و اندونزی. معیارهای اصلی دسته‌بندی مذکور را می‌توان در چهار مورد خلاصه کرد. وضعیت قانون زکات در این کشورها، وضعیت سازمان جمع‌آوری‌کننده زکات، کیفیت توزیع زکات و مصرف زکات. در این‌گزینه‌ها از میان کشورهای اسلامی دو الگوی اول به مدل‌های متمرکز جمع‌آوری زکات نزدیک‌تر هستند و دو کشور مالزی و اندونزی سرآمد کشورهای اسلامی در جمع‌آوری مالیات به‌شکل فدرالی هستند. همچنین هر چهار مورد مذکور نسبت به سایر کشورها اهتمام بیشتری به ارائه آمار و گزارش‌های سالانه دارند و از این منظر اطلاعات در دسترس آن‌ها بیشتر از سایر کشورهای اسلامی است. در نهایت کشورهای اسلامی عضو این سازمان را در سه سطح دسته‌بندی کرده‌ایم. کشورهایی که دارای قوانین جامع زکات هستند، در واقع منظور کشورهایی است که در آن‌ها زکات به‌شکل قانونی و اجباری جمع‌آوری می‌شود؛ دسته دوم کشورهایی هستند که قوانین زکات در آن‌ها وجود دارد اما نه به‌شکل اجباری و نهادهایی صرفاً به‌صورت داوطلبانه برای انجام این امور به مردم معرفی شده است؛ و دسته سوم کشورهای اسلامی است که هیچ تدبیری در خصوص زکات نیندیشیده‌اند. از میان ۵۷ کشور عضو این سازمان تنها ۱۵ کشور هستند که در دسته اول و دوم قرار می‌گیرند (نقیبی، کفش‌گر، ۱۳۹۵: ۱۵-۱۴).

۳. روش‌شناسی

۱-۳. اهداف تحقیق

فارغ از تفاوت‌های تاریخی و فرهنگی که میان کشورهای اسلامی وجود دارد و نظام‌های فقهی گوناگونی که برای مسلمانان مشروعیت‌بخش است، همچنان زکات به‌عنوان یکی از عناصر عمل اسلامی در میان آنان دیده می‌شود. هدف مهم این پژوهش مقایسه وضعیت سازمان‌دهی زکات در میان کشورهای اسلامی در صورت‌های مختلف آن و ارائه الگوهای مختلف از عملکرد این کشورهاست. همچنین نسبت زکات با مقوله تأمین اجتماعی به‌عنوان پدیداری جدید در زندگی مسلمانان که در صورت‌های مختلف مکانیسم‌های حمایتی قابل مشاهده است از دیگر اهداف مورد بررسی در این پژوهش است.

۲-۳. پرسش‌های تحقیق

وضعیت سازمان‌دهی زکات در کشورهای اسلامی چگونه است؟

- نسبت مصرف زکات با مقوله تأمین اجتماعی در میان این کشورها چگونه است؟

- الگوهای موجود در سازمان‌دهی امر زکات در میان کشورهای اسلامی کدام‌اند؟

۳-۳. روش پژوهش

یکی از روش‌های مورداستفاده در مطالعات تطبیقی، استفاده از داده‌های اسنادی است. پژوهشگران در تعریف سند به موارد مختلفی اشاره کردند. اگر بخواهیم به شکل دقیق‌تر به تعریف سند بازگردیم، نقل این عبارت مفید فایده است. «اسناد تأنجایی که در قالب خاصی تهیه می‌شوند موضوعاتی استاندارد به حساب می‌آیند: یک یادداشت، گزارش‌های موردی، قراردادهای، پیش‌نویس‌ها، گواهی‌مرگ، اظهارنظرها، دفترچه‌های خاطرات، آمارها، گزارش‌های سالیانه، گواهی‌نامه‌ها، احکام قضایی، نامه‌ها یا اظهارات کارشناسان» (فیلیک، ۱۳۹۳: ۲۷۵)

همین‌طور که اشاره شد اسناد را نمی‌توان به حوزه خاصی تقلیل داد. به همین دلیل داده‌های به‌دست‌آمده از این تکنیک برای پژوهش حاضر منحصر به اسناد رسمی مکتوب نیست، بلکه طیف وسیعی از اسناد نظیر قوانین، آیین‌نامه‌های داخلی، توافقات اداری، آمار و اطلاعات، سالنامه‌های کمیته امداد، پایان‌نامه‌ها، مقالات، فتوای مراجع تقلید، استفتائات، اخبار منتشر شده در خبرگزاری‌های معتبر، اسناد ارائه‌شده توسط صاحب‌شوندگان، اطلاعات دفتری که در اختیار پژوهشگر قرار گرفته است و... را نیز شامل می‌شود. هرچند که حوزه مطالعات اسلامی در سال‌های گذشته رشد چشم‌گیری داشته است، اما همچنان وضعیت آرشیو در میان این سازمان‌ها دارای نقاط ضعف عمده است. عموماً آخرین تغییرات

قوانین در دسترس پژوهشگران قرار نمی‌گیرد، گزارش‌ها سالیانه به‌روزرسانی نمی‌شود و اطلاعات به‌شکل کامل انتشار داده نمی‌شود. با این وجود اطلاعات موجود به شکل الکترونیکی از منابع رسمی سازمان‌های زکات در کشورهای اسلامی استخراج شده و مورد تحلیل قرار گرفته است.

۴. جایگاه زکات در اقتصاد کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی به‌خصوص سرزمین‌های مستقر در خاورمیانه به‌دلیل تشابهات اجتماعی و فرهنگی موجود و تشابه مدل‌های توسعه‌ای که بین آن‌ها دیده می‌شود، دارای نقاط اشتراک فراوانی هستند. همچنین به‌دلیل عضویت اکثر کشورهای اسلامی در سازمان همکاری‌های اسلامی امکان بهره‌مندی از این پتانسیل در سطح فراملی نیز وجود دارد. منظر کُهِف^۱ طی پژوهشی در سال ۱۹۸۹ میلادی، پتانسیل زکات هشت کشور منتخب اسلامی را در نسبت با تولید ناخالص داخلی آن‌ها محاسبه کرده است. این هشت کشور شامل مصر، اندونزی، پاکستان، قطر، عربستان، سودان، سوریه و ترکیه است. محاسبه این پژوهش براساس سه نوع منابع متفاوت زکات است و بر اساس فتاوی مختلف در نظر گرفته شده است. در نتیجه به ترتیب با احتساب فتوای حداقلی، میانه و حداکثری منابع زکات، به‌صورت میانگین زکات بالقوه این هشت کشور منتخب ۱٫۸ درصد، ۳٫۸۵ درصد و ۴٫۳۴ درصد از تولید ناخالص داخلی آن‌ها را شامل می‌شود. (کُهِف، ۱۹۸۹: ۲۰)

تقریباً نتایج مشابه با این تحقیقات در پژوهش سال ۲۰۰۹ با جامعه هدف ۳۸ کشور سازمان همکاری‌های اسلامی به‌دست آمده است. میانگین نسبت زکات بالقوه به تولید ناخالص داخلی برای این کشورها (با فرمول محاسبه منابع زکات کُهِف) به ترتیب، ۱٫۵۵ درصد، ۳٫۴۴ و ۴٫۳۱ است. این رقم قابل توجه پس از رشد اقتصادی کشورهای عضو مجمع همکاری اسلامی ممکن است با گذشت زمان حتی افزایش یابد. علاوه بر اینکه زکات از منظر درون دینی نیز این پتانسیل را دارد که توسعه یابد و همچنین سازمان‌دهی متفاوت زکات در کشورهای مختلف بازده بسیار عجیبی داشته است. در واقع سطح مدیریت زکات در بین کشورهای اسلامی متفاوت است. برخی از کشورها در مراحل بالای توسعه زکات قرار دارند در حالی که برخی دیگر از کشورها هنوز در مرحله اولیه توسعه هستند و یا حتی به آن توجه نمی‌کنند. این مسئله متأثر از توانایی یک کشور در جمع‌آوری و توزیع وجوه زکات و تجربه سازمانی آن است. این شکاف میان کشورهای اسلامی در پتانسیل به دست آوردن وجوه زکات به حدی شدید است که گاهی از تفاوت بیش از ۹۰ درصدی خبر می‌دهد (شاه‌شیرازی، بین‌امین، ۲۰۰۹: ۷۴۵).

در جدول زیر تمایز میان دسته‌بندی اولیه از کشورهای اسلامی که از ابتدای این بخش مطرح شده

1- kahf

2- Shah Shirazi ,Bin Amin

است را در نسبت زکات جمع‌آوری شده در آن‌ها به تولید ناخالص داخلی‌شان مشاهده می‌کنید. به جز آن دسته از کشورهایی که هیچ قانونی در راستای زکات در آن‌ها وجود ندارد که طبعاً فاقد آمار تجمعی نیز می‌باشند. بیشترین آمار جمع‌آوری زکات همان‌طور که انتظار می‌رود با میزان متغیر بین ۰,۱-۰,۳ درصد از تولید ناخالص داخلی مربوط به کشورهای دارای اجبار قانونی برای زکات است. سپس کشورهایی که قوانین داوطلبانه در راستای وجوهات اسلامی دارند، با نوسان بین ۰,۰۸-۰,۰۲ درصد از تولید ناخالص زکات جمع می‌کنند. مقایسه این موارد با ایران نیز تا حدی گویای ناکارآمدی سازمان‌دهی مربوط به زکات در این کشور است (عزتی، ۱۳۹۱: ۴۸)

جدول ۱. درصد میزان زکات جمع‌آوری شده به تولید ناخالص داخلی کشورهای اسلامی

ردیف	موضوع	درصد به تولید ناخالص داخلی
۱	درصد زکات در میان کشورهایی که در آن زکات اجباری دارند	۰,۱-۰,۳
۲	درصد زکات در میان کشورهایی که در آن زکات داوطلبانه است	۰,۰۲-۰,۰۸
۳	درصد زکات جمع‌آوری شده در ایران	۰,۰۰۰۰۱۴

این نتایج هرچند میزان موفقیت کشورهای دارای اجبار قانونی در راستای جمع‌آوری زکات را نشان می‌دهد، اما دارای نتایج تلخ دیگری نیز هست و آن میزان کم منابع زکات در کشورهای اسلامی است. به روایت دکتر زین‌العابدین «تمام بررسی‌ها متفق‌اند که درآمد واقعی زکات در کشورهای مختلف بسیار کمتر از مبلغی از زکات است که بالقوه بر ثروت آن کشورها بسته می‌شود. دکتر عبدالله طاهر، تخمینی را در مورد درآمد زکات در هیجده حکومت مسلمان (که هشت مورد آن‌ها کشورهای تولیدکننده نفت هستند) براساس آمار سازمان ملل در سال ۱۹۸۰، ارائه می‌دهد. وی نتیجه‌گیری می‌کند که کشورهای تولیدکننده نفت باید زکات را بین ۱۰ تا ۱۴ درصد تولید ناخالص داخلی‌شان جمع‌آوری کنند. زکات برای کشورهای غیر تولیدکننده نفت باید بین ۳/۵ تا ۷ درصد تولید ناخالص داخلی‌شان باشد». او دلایل این فاصله بین زکات بالفعل و بالقوه را در عوامل زیر می‌داند:

- عدم اجبار قانونی
- محدود کردن جمع‌آوری به منابع محدود
- عدم شایستگی امور اجرایی جمع‌آوری زکات
- فقدان اعتماد بین واضعان قانون زکات و اداره جمع‌آوری
- تبلیغات ضعیف درباره اهمیت دینی زکات (زین‌العابدین، ۱۳۸۹)

۵. شاخص‌های مقایسه تطبیقی زکات

اما اگر بخواهیم به سراغ مطالعه کشورها در فرایند جمع‌آوری زکات برویم، باید به شکل مرحله‌به‌مرحله تیپ‌های مختلفی که از تجربه عملیاتی آن‌ها استخراج می‌شود را معین کنیم. برای رسیدن به این منظور مشخص کردن وضعیت کشورها در موارد زیر ضروری است.

- وضعیت قانون زکات
- نوع سازمان متصدی زکات
- نحوه اجرا مراحل مختلف امور زکات
- چگونگی توزیع زکات

۶. وضعیت قانون زکات

وضع قوانین زکات در تمام کشورها به دودسته عمده تقسیم می‌شوند: دسته اول کشورهایی که قوانین اجباری در خصوص اخذ زکات وضع کرده‌اند. این قبیل کشورها به دلیل ورود زکات به سطح قانون، باید به دنبال وضع ضامن اجرای این قوانین نیز در قالب تنبیه‌ها و مشوق‌های قانونی باشند. تنها شش کشور اسلامی هستند که قوانین الزامی برای زکات وضع کرده‌اند. در میان این کشورها برخی زکات سالانه و زکات فطره را هر دو واجب کرده‌اند مانند یمن، در برخی دیگر تنها زکات سالانه اجباری است، مانند عربستان، پاکستان، اردن و سودان؛ در دسته دوم کشورهایی که فقط زکات فطره اجباری است. برای نمونه در کشور مالزی همان‌گونه که ذکر آن گذشت به دلیل مدل فدرالی امور مربوط به زکات در برخی از ایالت‌ها، تنها زکات فطره اجبار است.

اما مهم‌ترین مشوقی که در این کشورها برای پرداخت‌کننده مالیات قائل هستند، معافیت‌های مالیاتی با کسر میزان پرداختی زکات است. برای نمونه در عربستان که تقریباً مالیات و زکات به هم آمیخته است؛ به جز مواردی که زکات به دلایل فقهی به آن تعلق نگرفته است فرد مزکی از مالیات دیگر معاف است؛ اما حتی در پاکستان و مالزی که مالیات مدرن نیز همچنان وجود دارد، فرد مزکی با ارائه قبض پرداخت زکات می‌تواند از پرداخت بخشی از مالیات معاف شود؛ اما در خصوص تنبیهات مربوط به اقتضای شرایط کشورهای مختلف و اهمیت جرم، مجازات و تنبیه نیز تغییر می‌کند. نقیبه و کفش‌گر در جدول زیر برخی از این مجازات‌ها را جمع‌آوری کرده‌اند.

جدول ۲. سیاست‌های تنبیهی برای ممتنعین پرداخت زکات در کشورهای اسلامی مختلف

(نقیبی، کفش گر، ۱۳۹۵: ۲۳/ ناجی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۹۰)

کشور	تخلف	جریمه
لیبی	ممتنعین از پرداخت زکات	دریافت غرامت به اندازه ارزش مالیات
	عدم تحویل به موقع اظهارنامه	غرامت از ۵ تا ۱۰۰ دینار
مالزی	ممتنعین از پرداخت زکات	دریافت سه برابر ارزش زکات، حق منع سفر
	عدم تحویل به موقع اظهارنامه	۵۰۰ رینگیت یا سه ماه زندان یا هردو
	منع کار عاملین زکات	۱۰۰۰ رینگیت یا شش ماه زندان یا هر دو
سودان	ممتنعین از پرداخت زکات	غرامت به اندازه دو برابر زکات
	عدم تحویل به موقع اظهارنامه	محکوم به زندان کمتر از یک سال
عربستان	عدم وصول زکات یا تخلف در ارائه اظهارنامه (مبتنی بر تشخیص و رأی قاضی)	بازداشت متخلفین زکات
		ممانعت از صدور گواهی‌های مربوطه
		توقیف واردات گمرکی
		عدم اجازه حضور در مناقصه تجاری
		ترک یا بازداشتن از ادامه فعالیت شغلی

۷. نوع سازمان متصدی زکات

در جمع‌آوری زکات برخی از کشورها از نهادهای دولتی استفاده می‌کنند و برخی دیگر از نهادهای خصوصی و نهادهای عمومی. عموماً کشورهای عربی که دارای قوانین اجباری زکات هستند، تمایل به استفاده از نهادهای دولتی در این زمینه را نیز دارند؛ اما این قاعده استثنا نیز دارد. برای مثال کشور عربستان امور مربوط به جمع‌آوری زکات را کاملاً به نهادهای دولتی به خصوص وزارت اقتصادی و دارایی سپرده است. همچنین سودان، یمن و پاکستان نیز هر یک به انجمن مختلف ولی همچنان دولتی محسوب می‌شوند؛ اما در این بین دولت مالزی با وجود رعایت اجبار اخذ زکات در برخی از ایالت‌ها، هیچ مسئولیتی در راستای جمع‌آوری مالیات به عهده ندارد و نهادهای خصوصی و شبه‌خصوصی به این امر اهتمام دارند. اکثر کشورهای داوطلبانه نیز عموماً در تجربیات مختلف بیرون از الگوی دولت به جمع‌آوری مالیات می‌پردازند. برای مثال به تجربه این دو کشور می‌پردازیم.

۷-۱. اردن

در اردن پرداخت زکات برای مسلمانان اجباری است، اما این کشور دارای نظام جامع زکاتی نیست و موارد زکات در آن فقط به دام، مالکیت زمین و کالاهای وارداتی محدود می‌شود. یک اداره کوچک در وزارت وقف مدیریت زکات را انجام می‌دهد. جمع‌آوری و توزیع وجوه زکات هم در دولت مرکزی و هم در استان انجام می‌شود. پرداخت‌کننده زکات نیز می‌تواند با پر کردن فرمی، زکات بالقوه خود را تعیین کند. پس از ارزیابی و تصویب توسط اداره زکات، زکات دهنده می‌تواند فرد خاصی را به اداره زکات معرفی کند و کمک‌هایش را به دست او برساند. همچنین زکات دهنده مدرکی رسمی برای به سرانجام رساندن این فرایند دریافت می‌کند که می‌تواند برای کاهش پرداخت مالیات قانونی (امتیاز مالیاتی) از آن استفاده کند (کاشیان، ۱۳۹۵: ۱۶۴).

۷-۲. کویت

نقش دولت در مدیریت زکات در کویت محدود است؛ بنابراین یک نهاد مستقل به نام خانه زکات وابسته به وزارت وقف برای مدیریت زکات وجود دارد. خانه زکات پرداخت خیرخواهانه داوطلبانه از مردم، شرکت‌ها و سازمان‌های عمومی / مؤسسات دریافت می‌کند. مجلس زکات هر نوع زکات را که طرف دیگر به صورت داوطلبانه تسلیم می‌کند، می‌پذیرد. علاوه بر این، کویت هیچ‌گونه مالیات بر درآمد را بر شهروندان خود تحمیل نمی‌کند. به همین دلیل فاقد نحوه مواجهه نسبتاً آمرانه با شهروندانش نظیر تجربه عربستان و پاکستان برای برداشت اجباری از حساب‌های بانکی شهروندان است. به دلیل داوطلبانه بودن پرداخت زکات همچنین کسر مالیات ارتباطی با زکات ندارد. گروه‌های زکات در خانه زکات اغلب یافتن خانواده‌های فقیر را دشوار می‌دانند زیرا خانواده‌های فقیر در کویت معمولاً از ابراز عمومی و جلب توجه عموم مردم خودداری می‌کنند. از آنجاکه تعداد بسیار کمی از خانواده‌های فقیر در کویت وجود دارد، گروه خانه زکات طیف گسترده‌ای از برنامه‌های بین‌المللی برای کاهش فقر مانند پروژه‌های یتیمان آفریقایی، توان‌بخشی، وام‌های قرض‌الحسنه، بورس‌های تحصیلی در اقشار مختلف فقیر را نیز در برنامه خود دارد. این تنوع به وجود آمده در نظام زکاتی کویت به دلیل حجم مازاد از زکات در این کشور است (صالح‌آبادی، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۱).

۸. نحوه اجرا مراحل مختلف امور زکات

دو مدل زکات در میان کشورهای اسلامی مرسوم است که عموماً به تبعیت از مدل حکمرانی آنان در جریان است. این دو مدل عبارت است از مدل فدرالی و مدل متمرکز در امور زکات. دو کشوری که به‌تمام معنا در امر زکات فدرالی عمل می‌کنند مالزی و اندونزی هستند. در سیستم مدیریتی مالزی

باتوجه به استقلال نسبی هر ایالت قوانین مختلفی در هر بخش وجود دارد و شیوه کار نیز متفاوت است؛ اما تمام سازمان‌ها زیر نظر شورای ملی اسلامی فعالیت می‌کنند. خصوصی‌سازی در اینجا به معنای فرایند انتقال نقش دولت در مدیریت زکات به بخش خصوصی برای بهبود کیفیت و عملکرد مدیریت زکات است. همچنین اندونزی دارای سه شکل از سازمان‌های مرتبط با زکات است. بخش دولتی و روستایی و خصوصی. هر سه این بخش‌ها چنانچه گفته شد زیر نظر ایالت‌های خود مشغول به فعالیت می‌باشند. در اندونزی با وجود داوطلبانه بودن زکات، اما زکات‌دهندگان شامل تخفیف مالیاتی می‌شوند. یکی از پیامدهای این امر باعث می‌شود که مسلمانان با پرداخت زکات به‌طور مثبت در برنامه‌های کاهش فقر در اندونزی نقش داشته باشند (نذری^۱ و دیگران، ۲۰۱۲: ۶۸-۶۷).

اما در بیشتر کشورهای جهان اسلام مدل مرکزی مستقر است. برای مثال عربستان، اردن، یمن، سودان، عراق، امارات و... نهادهای محلی اختیار ایالتی در امور مختلف را ندارند و در نهایت نمایندگی‌های مرکز در استان‌های دیگر محسوب می‌شوند؛ اما الگوی پاکستان قدری پیچیده‌تر است. قانون اساسی پاکستان تصریح می‌کند که یک سازمان دولتی باید برای جمع‌آوری و توزیع زکات و اتصال آن با وزارت دارایی اختصاص یابد؛ اما قانون پاکستان به‌مرور زمان به مدل ترکیبی از دولت و سازمان‌های غیرانتفاعی منتخب اجازه می‌دهد تا زکات را مدیریت کنند. شاید مهم‌ترین دلیل به انجام این اصلاح بهره‌وری بسیار پایین و هزینه‌های فراوان سازمان‌های جمع‌آوری کننده زکات دولتی داشتند. اما آمیختگی نظام مرکزی و فدرالی در پاکستان از جایی آغاز می‌شود که سازمان‌های زکات را اگرچه از نظر اداری به وزارت دارایی وابسته می‌بینیم، اما هر استان نیز دارای شورای زکات مجزا است که به ریاست قاضی استانی مشغول به فعالیت است. برخی از خبرگان فقه نیز به‌عنوان اعضای آن در شورا حضور دارند. پس سه سطح از مدیریت در مدیریت توزیع و جمع‌آوری زکات پاکستان را باید به‌اختصار سطح ملی، استانی و محلی نام گذاشت (ناجی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۹۸-۵۹۰، کاشیان، ۱۳۹۵: ۱۷۵-۱۷۱).

۹. چگونگی توزیع زکات

در امر توزیع زکات دو مدل مرسوم متناسب با مدل‌سازمانی در جمع‌آوری و نحوه اداره و مدیریت سازمان به وجود می‌آید. اولی مدل ورود زکات به بودجه عمومی است. در این مدل که عموماً جمع‌آوری به عهده بخش دولتی است، تمام منابع جمع‌آوری شده به‌شکل کامل در اختیار خزانه‌داری دولت قرار می‌گیرد؛ اما در ادامه مسئولیت توزیع نیز به‌عنوان بخشی از بودجه مقرر به‌وسیله نهاد دولتی دیگر انجام می‌گیرد. برای مثال در عربستان وزارت اقتصاد و دارایی در امر جمع‌آوری زکات فعال است و منابع زکات تحت عنوان بودجه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی به الحاق منابع دیگری از بودجه که پوشش‌دهنده

مقدار کامل بودجه مصوب باشد از سوی دولت به این بخش واگذار می‌شود. سودان نیز الگوی نسبتاً مشابهی را در این زمینه دنبال می‌کند و به شکل کامل اختیار توزیع را به بخش امور اجتماعی سپرده است (نقیبی، کفش‌گر، ۱۳۹۵: ۳۱-۲۷).

اما در مدل دیگر بخش‌های خصوصی (مانند سازمان‌های مردم‌نهاد، خیریه‌ها، بانک‌های اجتماعی و...) یا هیئت‌های زکات مسئولیت توزیع را به عهده می‌گیرند. به‌عنوان مهم‌ترین تجربه در میان کشورهای مسلمان در این خصوص باید به نمونه مصر اشاره کرد. مصر دارای یک شبکه بسیار بزرگ و گسترده در جمع‌آوری و توزیع زکات توسط داوطلبان و مؤسسات اجتماعی است. شبکه مدیریت زکات در مصر از چهار عنصر اصلی تشکیل شده است.

- کمیته‌های داوطلبانه زکات که به هیچ موسسه‌ای وابسته نیستند
- سازمان‌ها و شبکه‌های وقف در ارتباط با سازمان‌های غیرانتفاعی
- بانک اجتماعی ناصر و گروه‌های زیرمجموعه آن
- بانک اسلامی نصیر مصر و گروه‌های زیرمجموعه آن

این مجموعه‌های خصوصی در مصر، زکات را به‌طور داوطلبانه جمع‌آوری می‌کنند و توسط کمیته‌های زکات توزیع می‌کنند. قانون شماره ۴۸ از سال ۱۹۷۷ که تأسیس بانک اسلامی نصیر مصر را تنظیم کرد، بانک‌ها را ملزم می‌کند که زکات را از سرمایه، سود سهامداران بگیرند و سپس وجوه مستقلی را برای زکات در داخل بانک جمع‌آوری کنند. این قانون شامل هیچ کسر مالیاتی نمی‌شود. به همین ترتیب، بانک اجتماعی نصیر یک شبه‌دولتی است. این اداره با شعب بانک‌های پراکنده در سراسر کشور می‌تواند همکاری با مدیران محلی مرتبط با مدیریت زکات را تقویت کند. جا دارد در این بخش به تجربه موفق بانک اجتماعی ناصر به‌عنوان سازمان بخش خصوصی که حدود نیم‌قرن تجربه در امر جمع‌آوری زکات دارد، بپردازیم. (برمر، ۲۰۱۵: ۶۴-۶۲، کاشیان، ۱۳۹۵: ۱۶۸ و ۱۷۵).

تجربه زکات در بانک اجتماعی ناصر نخستین تجربه این نحوه مدیریتی در مصر و مربوط به اوایل دهه ۱۹۷۰ است. خصوصیت آن جمع‌آوری داوطلبانه زکات است و نخستین قدم برای تشکیل کمیته زکات معمولاً توسط برخی از شهروندان محترمی برداشته می‌شود که برای کسب وجهه به بانک روی می‌آورند. بانک به سهم خود هزینه‌های اجرایی را تقبل می‌کند و به این کمیته‌ها اجازه تصمیم‌گیری در مورد هزینه‌کردن زکات را به شکل محلی نیز می‌دهد. طبق گزارش‌ها درآمد زکات به‌دست‌آمده توسط این بانک بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۱ به ۱۱۸ میلیون پوند مصری رسیده بود که دوازده میلیون نفر نیازمند از آن استفاده می‌کردند. (همان: ۱۷۹-۱۷۷)

«خدمات دیگر بانک ناصر به فقرا شامل آموزش و پرورش، مراقبت‌های پزشکی، پرستاری و امکانات لباسشویی می‌شد. در سال ۱۹۸۶ این بانک چهار بیمارستان و بیست‌وپنج کلینیک در قاهره به‌علاوه پانزده کلینیک در استان‌های دیگر را اداره می‌کرد. همچنین ۳۷۰۰۰ راننده فقیر را طی چند سال به‌عنوان بخشی از برنامه‌های توان‌بخشی تاکسی‌دار کرد. این بانک با کارهای خیریه اجتماعی نظیر فعالیت‌های «الدعوة» نیز ارتباط دارد. گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۴ شیوع فقر در مصر را ۱۲/۶ میلیون نفر یعنی ۲۳ درصد کل جمعیت وقت این کشور ذکر می‌کند.» که همچنان آمار بالایی محسوب می‌شود و نیاز به برنامه‌ریزی سازمان‌های دیگر برای حل مشکلات فراگیر مصر در کنار منابع زکات برجای خویش باقی است. (زین‌العابدین، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۳)

اما نکته بسیار مهم که به‌عنوان تابعی از مدل‌های فوق است درخصوص هزینه عوامل زکات است. طبق آیه قرآن هزینه‌های اجرایی زکات می‌تواند خود بخشی از زکات باشد. هرچند عموم کشورها در مدل‌های دولتی و خصوصی از این قانون استفاده می‌کنند و بعضاً هزینه نسبتاً زیادی از زکات را به‌منظور هزینه‌های اجرایی اخذ می‌کنند؛ اما در مدل‌های کاملاً دولتی نظیر عربستان به‌دلیل ماهیت نهاد جمع‌آوری‌کننده زکات، که خود بخش دستمزد بگیر دولت است، هزینه عوامل زکات نیز به عهده دولت محاسبه می‌شود و از منابع زکات برداشته نخواهد شد.

۱۰. الگوهای حمایتی و رفاهی در کشورهای اسلامی

۱-۱۰. عربستان

عربستان سعودی از جمله کشورهای اسلامی است که در حوزه زکات دارای مدل مشخصی است. الگوی عربستان از سویی متمرکز و غیر محلی، کاملاً دولتی (حتی در الگوهای مشابه عربستان نظیر پاکستان، مخارج عاملان زکات از وجوهات شرعی برداشته می‌شود و دولت مایل است هرچه بیشتر مسئولیت‌های اجرایی را به بخش خصوصی یا نیروهای داوطلب بسپارد، اما در عربستان تمام امور اجرایی به دست بخش دولتی است و هزینه اجرا را نیز از منابع غیر زکوی دولت پرداخت می‌کند) و اجباری است. نظام جمع‌آوری زکات در این کشور در زمان حاضر به دست وزارت اقتصاد و امور دارایی است و توزیع و مصرف منابع زکات به دست وزارت امور اجتماعی این کشور است. از این منظر عربستان یکی از مهم‌ترین الگوهایی است که کاملاً منابع زکات را به امر رفاه اختصاص داده است.

ویژگی‌های فوق درواقع تماماً برآمده از الگوی دولتی اداره زکات است و پیامدهای خاص خود را نیز دارد. مهم‌ترین پیامد این نظام آمیختگی نظام بودجه‌ای کشور است. درواقع تمام نهادهای دولتی جمع‌آوری‌کننده زکات در عربستان در شهرهای مختلف وجوه دریافتی را تحویل به خزانه‌داری کل

کشور می‌دهند و در مقام توزیع این بودجه به‌اضافه مبلغ کسری هزینه‌های رفاهی کشور با کمک‌های دولت پوشش داده می‌شود. همچنین سازمان‌های زکات به‌طور معمول همان سازمان‌های دولتی هستند و نهادهای موازی با بروکراسی‌های هزینه‌زا در این بین وجود ندارد. البته اجباری بودن زکات در عربستان نیز نیازمند قوانین سفت‌وسخت و تنبیه و مشوق‌های جدی است که در قوانین این کشور مشهود است. اما در نهایت اطلاعات ما در خصوص توزیع و مصرف زکات در عربستان تنها به این اندازه است که این وجوه به‌اضافه وجوه دولتی دیگر مستقیماً به وزارت امور اجتماعی محول می‌شود تا در مصارف مورد نیاز به دست جامعه هدف این سازمان برسد. پس هرچند فاقد جزئیات طرح‌های این سازمان در حوزه رفاه اجتماعی هستیم اما اجمالاً می‌دانیم که صد در صد بودجه برآمده از مالیات اسلامی عربستان هزینه کرد امور رفاهی در این کشور می‌شود (مرادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹-۱۱).

۱۰-۲. پاکستان

پاکستان از جمله کشورهای اسلامی است که پرداخت زکات در آن اجباری است. در ماه رمضان ۲٫۵ درصد از دارایی شهروندان مسلمان و شرکت‌های خصوصی در پاکستان و شرکت‌هایی که اکثریت سهامداران آن مسلمان باشند، به‌عنوان زکات دریافت می‌شود. (به‌استثنای مدارس مذهبی، مساجد و یتیم‌خانه‌ها) این الگو جهش عظیمی در بخش جمع‌آوری زکات را سبب می‌شود. چنانچه در نمودار زیر قابل مشاهده است هرچه از سال‌های دوره دوم تاریخ زکات در پاکستان می‌گذریم، جهش میزان مبالغ دریافتی تقریباً بیش‌ازپیش می‌شود. همچنین در جدول صفحه بعد که دسترسی به آخرین گزارش‌های موجود از پاکستان است، نشان از افزایش بودجه زکات در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ و ۲۰۱۸-۲۰۱۹ دارد و در مقایسه با رقم ذکرشده در سال‌های پیش از سال ۲۰۱۰ خبر از موفقیت چشمگیر پاکستان با اجرای الگوی دولتی و اجباری جدید می‌دهد.



شکل ۱. زکات دریافتی پاکستان طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ (به میلیون روپیه پاکستانی)^۱

1- Azam and others, Zakat and Economic Development: Micro and Macro Level Evidence from Pakistan, 2014

اما در خصوص مصارف زکات و ریز هزینه‌های آن شاید از میان کشورهای اسلامی هیچ دولتی به اندازه پاکستان منابع وجوهات شرعی را به هزینه مراقبت‌های اجتماعی اختصاص نداده است. جدول زیر به خوبی نشان می‌دهد وجوه توزیعی در سه بخش به دست جامعه هدف مذکور رسیده است. بخش اول شامل کمک‌های اولیه به ترتیب مبلغ اختصاص یافته شامل: هزینه‌های آموزشگاه‌های فنی، تأمین هزینه‌های مراکز بهداشتی، ارائه کمک‌های مربوط به ماه رمضان، خدمات به نابینایان، توان بخشی اجتماعی برای معلولان، کمک به فقرا، مراقبت‌های درمانی، بیماری‌های خاص است. در بخش دوم برنامه‌های بلندمدت‌تر از جمله هزینه‌های ازدواج، آموزش، مدارس دینی، مراقبت پزشکی گنجانده شده است و در بخش سوم نیز به هزینه‌هایی که صرف کارگزاران و امور اجرایی زکات می‌شود، پرداخته است. در مجموع با نگاهی به موارد مصارف زکات در پاکستان می‌توان به مدل شبه‌رفاهی دسترسی یافت که مبتنی بر منابع مالی اسلامی است و می‌تواند به سهم خود برخی از هزینه‌های بخش تأمین اجتماعی در معنای اعم آن را در پاکستان فراهم آورد.

در تحقیق دیگر رستگار، در خصوص نظام توزیع پاکستان اولویت را با چهار گروه می‌داند که به شرح زیر هستند:

۱- طلاب علوم دینی

۲- دانش‌آموزان و دانشجویان

۳- مراکز مددکاری اجتماعی

۴- بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها

رستگار همچنین در خصوص سازوکار فعالیت این نهادها چنین می‌گوید: «دولت پاکستان نیز به منظور کمک به بازپروری اشخاص مستحق از بنیاد ملی زکات کمک می‌گیرد. این بنیاد از طریق نهادهای امدادی و خیریه، به افراد تحت پوشش خود کمک می‌رساند. همچنین این بنیاد برای طرح‌هایی که قادر به تأمین درآمدهای منظم برای افراد مستحق و بی‌بضاعت باشند سرمایه مالی تأمین می‌کند. به طور کلی بنیاد در زکات از طرح‌هایی پشتیبانی می‌کند که سازمان اعانه گیرنده تا دو سال به طور مستقل آن طرح را اداره می‌کند، همچنین بنیاد در زمان راه‌اندازی و پس از راه‌اندازی طرح، به طور مرتب پیگیر مسائل طرح‌ها می‌شود. به همین دلیل این سازمان در تمام ایالت‌هایی که امکان عقد قرارداد با نهادهای خیریه وجود داشته باشد، شعبه‌هایی دایر کرده است» (رستگار، ۱۳۸۰: ۸۶-۸۳).

جدول ۳. توزیع زکات در حوزه‌های مختلف در اندونزی

ردیف	بخش	۲۰۱۶	۲۰۱۷
۱	اقتصاد	٪۱۸,۳	٪۲۰,۳۳
۲	آموزش	٪۳۱,۲۸	٪۲۱,۶۹
۳	تبلیغات اسلامی	٪۱۵,۵۳	٪۲۲,۵۶
۴	سلامت	٪۸,۳۹	٪۹,۵۲
۵	خدمات اجتماعی ^۱	٪۲۶,۵۱	٪۲۵,۸۹

اما اگر بخواهیم به موارد مصرف زکات در اندونزی نیز نگاهی بیندازیم، همچنان که در بخش‌های قبل نیز به آن اشاره کردیم، باید منتظر حوزه‌های متعدد و متنوعی باشیم. این موارد چنان که در جداول زیر قابل مشاهده است، حداقل در پنج بخش عمده قابل تفکیک است. این موارد طبق اولویت‌های نیاز جامعه هدف قابل تغییر است. برای مثال در بخش توزیع منابع در سال ۲۰۱۷ اولویت سیاست‌گذاری به ترتیب با فعالیت‌های بشردوستانه، تبلیغات اسلامی و آموزش عمومی و در نهایت امور اقتصاد بوده است. در صورتی که در سال پیش از آن و پیش‌تر نیز تخصیص منابع متفاوت بوده است. جدول فوق نشان‌دهنده تخصیص منابع در دو سال است.

جدول ۴. مصارف زکات در اندونزی به تفکیک برنامه‌ها در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۰ (به روپیه اندونزی)^۲

برنامه‌ها	۲۰۰۰	۲۰۰۱
یارانه غذایی	۳,۶۶۸,۷۳۳,۱۶۱,۴۰	۲,۰۷۹,۷۵۹,۸۹۶,۶۰
مشاوره حقوقی ^۳	۱۱,۸۷۷,۱۰۰,۰۰	۵۴,۵۵۱,۲۰۰,۰۰
اعانه عمومی	۱۶۶,۹۰۰,۰۰۰,۰۰	۱۲۱,۲۴۳,۷۹۰,۰۰
فقرا و نیازمندان	-	۴۴۳,۵۳۶,۳۰۰,۰۰
در راه ماندگان	-	۱۰,۴۸۲,۶۰۰,۰۰
فی سبیل الله	-	۲,۷۷۲,۰۰۰,۰۰

1- social humanity

2- PKPU report ,2001-2000

3- investigation and legal consultancy

برنامه‌ها	۲۰۰۰	۲۰۰۱
غارمین (بدهی زندانیان)	-	۸۰۰,۰۰۰,۰۰۰
مولفه القلوب (نوکیشان)	-	۴۶,۰۲۰,۴۸۰,۰۰۰
زکات فطره	۶۳,۸۰۹,۲۵۰,۰۰۰	۱۸۹,۸۶۷,۷۵۰,۰۰۰
امداد اجتماعی ^۱	۴۹۳,۳۱۸,۷۲۷,۶۶	۱۹۹,۵۳۵,۴۱۸,۰۰۰
اعانه سلامت	۷۵۰,۳۲۵,۶۵۵,۰۰۰	۲۶۱,۹۲۳,۴۰۰,۰۰۰
آموزش یتیم‌خانه‌ها	۳۳,۳۹۶,۴۵۰,۰۰۵	۱۵۰,۱۰۳,۶۰۰,۰۰۰
برنامه‌های توان‌بخشی		
ساخت امکانات عمومی ^۲	۵۳۳,۶۷۰,۰۴۰,۰۰۰	۱۱۴,۵۴۹,۷۰۰,۰۰۰
مرکز توان‌بخشی	-	-
زیرساخت‌های مذهبی	-	۸۴,۸۳۶,۰۹۰,۰۰۰
توسعه اجتماعی		
توسعه سلامت جمعی	-	۹۳,۴۸۰,۴۷۵,۰۰۰
توسعه مراکز درمانی	-	۳۸۵,۴۸۷,۴۲۲,۰۰۰
آموزش‌های ذهنی ^۳	۴۶۶,۳۰۲,۶۰۰,۰۰۰	۴۶۱,۸۵۴,۸۰۰,۰۰۰
بورسیه تحصیلی (دانشگاهی)	-	۱۹۶,۳۲۹,۵۲۵,۰۰۰
اعانه‌های آموزشی (آموزش عمومی)	۲۵۵,۴۳۹,۸۵۰,۰۰۰	۳۳,۷۷۲,۷۵۰,۰۰۰
توسعه اقتصادی	۱۵۲,۲۷۷,۵۰۰,۰۰۰	۹۴,۱۷۷,۶۰۰,۰۰۰
برنامه‌های فراگیری زکات	۶۰۶,۲۵۸,۴۸۰,۰۰۰	۶۲۷,۲۵۱,۸۴۰,۳۳
کل	۷,۱۷۲,۸۲۳,۸۱۴,۰۶	۵,۶۵۴,۳۳۶,۶۳۶,۹۳

فارغ از گزارش کلی که این سازمان از مصارف کلی به شکل سالیانه ارائه می‌دهند؛ گویا چندان مرسوم نیست که جزئیات این فصول کلی نیز همان‌گونه منظم بیان شود. در جدول فوق چنان که می‌بینید،

1- social relief
2- Building public facilities
3- Mental training

تعدادی از مصارف مرسوم زکات در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱ قیدشده است. در این سال‌های مذکور تخصیص منابع به این شکل بوده است که بیشترین میزان هزینه زکات در زمینه‌ی یارانه‌های غذایی که عموماً در حوزه فقرزدایی مورد استفاده است، بهره‌برداری شده است. سپس برنامه‌های فراگیری زکات و بعد از آن آموزش و تمرین‌های روانی (چندان منظور از آن نیز روشن نیست) در جدول ذکر شده است. اهمیت این جدول برای ما از این منظر است که مصارف عمومی که مورد نظر این سازمان است و احتمالاً در سال‌های پس از آن نیز مدنظر بوده است را نشان می‌دهد. برای نمونه موارد جالب توجهی که در این لیست دیده می‌شود و کمتر در الگوهای سنتی مرسوم است، بورسیه‌های تحصیلی و هزینه‌های کلی آموزشی و به شکل خاص تر سرمایه‌گذاری در حوزه پژوهشی است.

۱۰-۴. مالزی

با تأسیس دپارتمان رفاه اجتماعی مالزی (JKMM) در سال ۱۹۴۶ فعالیت‌های تأمین اجتماعی مالزی نیز به معنای جدید کلمه شکلی رسمی گرفت؛ اما مالزی نیز به خاطر تشابه بسیار ساختار سیاسی و بوروکراتیک خود با انگلستان که سال‌ها تحت استعمار آن کشور قرار داشت، تقریباً مسیر مشابهی با این کشور را در این زمینه طی کرد. در سال‌های قبل از برنامه پنجم مالی، دولت مالزی با وجود سیاست مداخله‌گرایانه خود به خاطر ضعیف بودن سیستم جمع‌آوری زکات و همچنین نامتمرکز بودن قدرت در مالزی و حاکم بودن مناسبات محلی بر آن، موفق به استفاده از پتانسیل زکات در این راستا نشد.

با شروع خصوصی‌سازی و گسترش و ترویج یافتن سیاست‌های نئولیبرالیستی در جهان، مالزی نیز بعد از سال ۱۹۹۰ میلادی عملاً بسیاری از امکانات دولت جهت استفاده از پتانسیل‌های زکات را به کلی از دست داد؛ اما با این وجود در مالزی همچنان مؤسسات فعال در زمینه زکات به رغم نگاه محلی و گاهی خیریه‌ای و تقلیل یافته خود همچنان فعالیت‌های رفاهی جدی را نیز در رزومه خود دارا هستند (آشورو شرف‌الدین)^۱ تنها تحقیق انجام شده درباره تأثیر زکات بر رفاه اجتماعی در مالزی نشان می‌دهد که پرداخت زکات در سیستم مدیریتی کنونی ایالت سلنگار تأثیر مثبتی در آموزش عمومی و افزایش سطح درآمدهای مردم آن منطقه داشته است؛ اما در افق درازمدت در بهداشت بی‌تأثیر است. علت اصلی این مسئله هم کانالیزه نشدن درآمدهای مؤسسات و پرداخت مستقیم منابع مالی به شیوه کماکان سنتی به اصناف است. (همان)

مسئله دیگر که باعث مشکل در پرداخت زکات و توسعه این مدل اسلامی شده است، بحران‌های موجود در بخش توزیعی زکات است. از نظر پژوهشگران عدم اطمینان به مؤسسات و نبود شفافیت در آن‌ها همان طور که پیش از این نیز به آن اشاره کردیم، سبب توقف رشد چشمگیر مالزی در این

عرصه شده است. به طوری که مقدار زیادی از زکات پرداخت شده توسط مسلمانان در مسیری که آنان می‌خواهند استفاده نشده یا میزان ورودی مؤسسات زکات با مقدار توزیع آنان تفاوت بسیاری دارد. در مجموع می‌توان گفت ناظر بیرونی این سیستم را دارای ناکارآمدی محسوس می‌بیند و این امر در ترویج مدل زکات به خصوص در نظر مزکیان تأثیر به‌سزایی دارد.

در سطح ساختاری نیز منابع زکات «در برخی از نقاط با مازاد و برخی نقاط با کسری مواجه است؛ بنابراین در توزیع بین مستحقین و نیازمندان، توزیع از کارایی متناسب برخوردار نیست. با توجه به اینکه تعداد دریافت‌کنندگان زکات هر سال نسبتاً افزایش پیدا می‌کند اما حدود ۱۵ درصد زکات در هر سال توزیع نشده است. در یک مطالعه توسط «هیر النیظام» در سال ۲۰۰۸، ۸۱٫۵ درصد پاسخ‌گویان معتقد بوده‌اند که وجوه زکات در برخی نهادهای زکات با مازاد و در برخی دیگر با کمبود روبه‌رو است» و این امر سبب شده است که به نظر افراد ذی‌نفع در این حوزه اموال به‌دست‌آمده از زکات به جامعه هدف مدنظر نمی‌رسد. (همان: ۵۹۶) همین امر از جمله نقاط ضعف نظام زکات مالزی ارزیابی شده است و توسط پژوهشگران مختلف به اشکال متنوعی به آن اشاره شده است.

اما جدول زیر نشان‌دهنده وضعیت پنج ایالت مهم مالزی از منظر مبالغ زکات جمع‌آوری شده، توزیع شده و باقی‌مانده، طی سه سال پی‌درپی از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ به تفکیک ایالت است. اگر بخواهیم قدری به نکات مهم این جدول اشاره کنیم، شاید ذکر دو نکته قابل تامل باشد. اولاً لوبیس در تحقیق خویش^۱ به نحوه مدیریت مالزی در جمع‌آوری زکات اشاره می‌کند. وی مالزی را دارای توانمندی‌های قابل توجهی در جمع‌آوری زکات می‌داند و روش‌های به‌کارگرفته توسط این کشور نظیر بانکداری اینترنتی، کارایی مدیریت زکات و خصوصی‌سازی نهادهای زکات را از علل افزایش پرداخت‌کنندگان زکات و در نتیجه افزایش میزان زکات به‌دست‌آمده در این کشور می‌داند. نظر لوبیس را می‌توان در جدول زیر در مقایسه سه سال مذکور مشاهده کرد. علاوه بر این رشد چشمگیر میزان زکات جمع‌آوری شده از سال ۲۰۱۰ (معادل ۱۳۶۴ میلیون MYR) تا سال ۲۰۱۴ (۲۴۵۷ میلیون MYR) در طول ۵ سال، مؤید دیگری بر عملکرد مطلوب این کشور است (عبدالرحمان، ۲۰۱۹: ۳۵). اما نکته دوم؛ مقایسه ستون اول و دوم در هر سال است. یعنی تفاوت زکات توزیع شده و میزان جمع‌آوری شده از دست مؤمنان مزکی. تفاوت این دو میزان هر چند در ایالت‌های مختلف نیز متفاوت است اما در هر کدام از این بخش‌ها نشان‌دهنده ناکارآمدی سازمان‌ها در بهره‌مندی مناسب از منابع زکات است. در واقع هر چند در گزارش فوق نویسنده به بازسازی سازمانی نهادهای زکات بعد از ۱۹۹۰ اشاره می‌کند و به نوعی استفاده از ابزارهای مدرن را ویژگی بارز این دوره می‌داند، اما خود

۱- به نقل از ناجی: «ارتقای سیستم مدیریت توزیع زکات در مالزی»

اعتراف می‌کند که همچنان یکی از مهم‌ترین مشکلات مالزی هدر رفت منابع به‌خصوص در بخش جمع‌آوری زکات است. هرچند کمتر به چرایی این امر پرداخته شده است، اما برخی از پژوهشگران این حوزه اساس مشکل را به سبب کمبود شفافیت سازمانی لازم و گاهی فساد موجود در این نهادها ارزیابی می‌کنند (همان: ۴۱-۴۰، ناجی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۹۸).

جدول ۵. جمع‌آوری، توزیع و باقی‌مانده زکات در مالزی به تفکیک ایالات

در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۲ (رینگیت مالزی)^۱

State	۲۰۱۰			۲۰۱۱			۲۰۱۲		
	جمع‌آوری شده	توزیع شده	باقی مانده	جمع‌آوری شده	توزیع شده	باقی مانده	جمع‌آوری شده	توزیع شده	باقی مانده
W.Persekutuan	۲۸۲,۶	۲۰۰,۵	۸۲,۱	۳۴۷,۵	۲۴۶,۷	۱۰۰,۸	۴۱۰,۴	۲۷۱,۹	۱۳۸,۵
Selangor	۳۳۶,۹	۳۳۰,۴	۶,۵	۳۹۳,۵	۳۷۱,۷	۲۱,۸	۴۵۱,۳	۴۰۱,۷	۴۹,۶
Johor	۱۲۲,۳	۱۱۵,۱	۷,۲	۱۳۷,۵	۱۵۱,۴	۱۳,۹-	۱۷۱,۹	۱۴۳,۳	۲۸,۶
Terengganu	۷۶,۴	۶۱,۷	۱۴,۷	۸۸,۳	۶۵,۰	۲۳,۳	۱۰۷,۱	۸۴,۵	۲۲,۶
Perak	۶۹,۶	۶۶,۸	۲,۸	۸۶,۱	۶۷,۶	۱۸,۵	۹۹,۶	۸۲,۷	۱۶,۹

۱۱. آینده مدیریت زکات در کشورهای اسلامی

یکی از موارد مثبتی که در آینده سازمان‌دهی زکات در کشورهای اسلامی قابل پیش‌بینی است، توسعه نظریات فقهی در زمینه منابع آن است. طبق نظر دکتر زین‌العابدین «مؤسسات جدید زکات نظری مشابه با نظر شیخ قرضاوی (نظریه بسط یافته زکات در نسبت با نظریات سنتی انحصار زکات در موارد نه‌گانه) را پذیرفته‌اند. قوانین زکات در سودان، پاکستان، یمن و مالزی این نظر را قبول دارند که تمام انواع محصولات و میوه‌ها قابل اخذ زکات هستند. عربستان سعودی، سودان و کویت درآمدهای حاصل از اموال سرمایه‌ای را مشمول زکات می‌دانند و قوانین عربستان، مالزی و سودان زکات بر مزد و شغل را می‌پذیرند. قوانین لیبی و سودان فلزات و مواد معدنی را مشمول زکات می‌داند. قانون پاکستان

فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، حساب‌های پس‌انداز، اوراق قرضه و سهام در بانک‌های خصوصی را مشمول زکات می‌داند. برخی از مؤسسات زکات مقداری از پول خود را برای درآمدزایی بیشتر، سرمایه‌گذاری می‌کنند». این روند تحولات احتمالاً خود یکی از عوامل رشد زکات در کشورهای اسلامی است. عاملی که نویسنده فوق آن را مهم‌ترین عامل توسعه زکات معرفی می‌کند (همان: ۲۹-۲۸).

همچنین تحول دیگری که در این عرصه محسوس است، ساماندهی هرچه بیشتر کشورهای اسلامی در زمینه زکات با وضع قوانین و راه‌اندازی سازمان‌های تخصصی است. در منبع پیشین چنین آمده است که: «هرچند درآمدهای زکات در تمام کشورهایی که جمع‌آوری آن را سازمان‌دهی کرده‌اند بسیار کمتر از منبع بالقوه آن است، آمارها نشان می‌دهند که افزایش مداوم درآمد زکات تقریباً در تمام این کشورها وجود داشته است و این نشانه بسیار خوبی است. به‌علاوه تعداد کشورهایی که جمع‌آوری زکات را نهادینه کرده‌اند در حال افزایش است» (همان: ۲۹).

تحول دیگر در عرصه سازمان‌های زکات را باید در نحوه مدیریت این نهادها دنبال کرد. به نظر می‌رسد کشورهایی نظیر اندونزی، مالزی و مصر و اکثر کشورهای مسلمان در حال توسعه که عموماً پیرو موج اقتصاد جهانی در الگوهای توسعه‌ای خویش هستند، پس از اتخاذ سیاست‌های توصیه‌شده توسط بانک جهانی در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی در جهت واگذاری وظایف رفاهی دولت‌هایشان گام برمی‌دارند و با تطبیق تقریبی قوانین این کشورها می‌توان گفت که بعد از دهه ۹۰ میلادی اکثر این کشورها در جهت خصوصی‌سازی امور رفاهی گام برداشتند؛ بنابراین دولت‌هایی که از زیر بار امور رفاهی اولیه شانه خالی کرده‌اند، عموماً به دنبال فرار از مسئولیت امور مربوط به زکات هستند که دارای پیچیدگی فراوان نیز است.

به‌همین دلیل است که به‌جز عربستان و سودان و کشورهای معدود دیگر که نمونه‌های متمرکزتر مدیریت زکات هستند، تقریباً در بقیه کشورهای اسلامی، مدیریت زکات به سمت «خیریه‌ای شدن» در حرکت است.^۱ در واقع موجی که عموماً در کشورهایی نظیر مالزی و اندونزی به جدیت پس از سال‌های ۲۰۰۰ دنبال شد و در برخی از ایالت‌های آن پاسخ مثبت نیز گرفته‌شده است، با توجه به ظرفیت فوق‌العاده علمی این دو کشور در بیان تجربیاتشان مورد توجه کشورهای اسلامی دیگر نیز قرار گرفته است. شاید بتوان تا حدی روند اصلاح قانونی دولتی زکات پاکستان و سوق یافتن آن به سمت نهادهای محلی را در این زمینه فهم کرد. در پایان ذکر این نکته ضروری است که با وجود تجربیات

۱- اما موردی استثنایی هم در این میان وجود دارد که خارج از این دسته‌بندی‌ها است. تجربه مدیریت زکات در فلسطین به‌علت نبود سازماندهی مرکزی قدرتمند و همچنین بی‌اعتمادی شهروندان در نسبت با خیریه‌ها و سازمان‌های در شکل منحصربه‌فرد خود در جریان است. البته با لحاظ کردن این مسئله که در متون مرتبط با زکات در فلسطین به دلیل شرایط سیاسی حاکم بر این کشور اطلاعات نادرست نیز درج شده است، از جمله مواجهه امنیتی با مسئله زکات به‌عنوان منابع مالی تروریسم. این موارد قضاوت در خصوص الگوی پیاده شده در این کشور را با مشکل روبه‌رو می‌کند؛ اما در هر صورت این تجربه بسیار خاص و غیر تکرار شونده است.

حدوداً ۷۰ ساله سازمان‌دهی زکات در کشورهای اسلامی همچنان به دلیل عدم شفافیت و دسترسی به اطلاعات سازمان‌های زکات در کشورهای مختلف برخی از پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌ها نزدیک به حدس و گمان است تا پیش‌بینی دقیق علمی که بر اساس تحلیل اطلاعات دقیق به دست آمده است؛ اما این تنها بایی است که اکنون رو به گسترش تبادل تجربیات باز است.

۱۲. نتیجه‌گیری

در نهایت باید از تیپ‌های مختلفی در نسبت دولت‌ها با امر زکات سخن گفته شود که به شرح زیر است: (بیک، ۲۰۱۲)^۱

۱- مدل جامع اجباری:

(اسلام‌گرایانه) در این کشورها قانون زکات وجود دارد و پرداخت زکات توسط سیستم دولتی اجباری شده است و عدم انجام تعهدات زکات منجر به مجازات قانونی کیفری خواهد شد. این کشورها چند ویژگی بارز دارند. استانداردهای در جمع‌آوری زکات را در دستور کار دارند، توزیع، سیستم گزارش‌دهی و جنبه مدیریتی زکات به شکل بوروکراتیک سنتی در آن‌ها دیده می‌شود. وجود یک ساختار یکپارچه و سلسله‌مراتبی تماماً عمودی را تجربه می‌کنند. دارای هزینه‌های اجرایی بسیار زیاد هستند. سیستم‌های مورد پذیرش شرعی با حضور نماینده‌ی علمای سنتی را تدارک می‌بینند. ادغام زکات در سیاست مالی و مالیات ملی و سیستم اقتصادی لحاظ شده است و در نهایت حکمرانی مطلق و مداخله‌گری که در تمامی سطوح امور مربوط به زکات ورود یافته است را به همراه دارند.

۲- مدل داوطلبانه: (مسلمانانه)

در این مدل زکات به شکل اجباری وجود ندارد، هرچند که قانون زکات وجود دارد. در واقع قانون‌گذار بی تفاوت نسبت به امور مسلمین نیست اما با گرایش‌های ساختاری این امور را وارد امر سیاسی مربوط به دولت نمی‌کند. ویژگی اصلی این مدل را باید در قوانین آن جست. به عنوان مهم‌ترین این موارد باید به ماهیت سیاست‌گذاری در قانون زکات در این کشورها اشاره کرد. عموماً در این سرزمین‌ها وجود قانون زکات، به هیچ‌وجه باهدف اجبار و نهی آمیخته نیست بلکه بیشتر این اصول قانونی زکات به امور مدیریتی توجه دارد. در واقع گویی قانون درصدد بیان حدود و ثغور مدیریت زکات در جامعه مدنی وضع شده است. اندونزی نمونه‌ای از این مدل است. حضور قانون مدیریت زکات شماره ۲۳/۲۰۱۱ تنها جنبه مدیریت زکات را تنظیم می‌کند. این قانون بیشتر بر مسائل هیئت ملی زکات متمرکز است اما پرداخت زکات را از نظر حقوقی الزامی نمی‌کند. از این رو، با توجه به این شرایط، مجموعه زکات تحت

کنترل مردم باقی است.

از دیگر ویژگی‌های این الگو باید به تنوع ایجاد شده در سازمان‌های ذی‌ربط زکات در قالب‌های مختلف اشاره کرد. امکان بهره‌مندی از نیروهای متخصص و تحت کنترل دائمی و همچنین بهره‌مندی از ظرفیت نیروهای داوطلب برای کاهش هزینه‌های اجرایی. به‌دنبال جلب نظر مزکیان و استفاده از مدل‌های تشویقی به‌منظور افزایش اقبال به زکات هستند. عموماً از تکنولوژی‌های جدید برای دسترسی مخاطب استفاده می‌کنند. دارای شفافیت و سیستم‌های گزارش دهی منظم به مراجعان هستند.

۳- مدل عرفی:

در این مدل، علاوه‌براینکه قانون رسمی کشور در خصوص زکات و احتمالاً سایر امور دینی سکوت پیشه کرده است، دولت نیز در حوزه سیاست‌گذاری و مدیریت امور مربوط به زکات هیچ دخالتی ندارد. جمع‌آوری و توزیع زکات کاملاً به حوزه جامعه انتقال پیدا کرده است. این الگو مبتنی بر ایمان افرادی است که مایل به مدیریت زکات هستند. زکات یک موضوع فردی ناب محسوب می‌شود و هیچ نظارت و استانداردسازی در این مدل وجود ندارد. اکثر کشورهای حاشیه خلیج فارس دارای چنین الگوهایی هستند. همچنین در کشورهای اسلامی که جمعیت اقلیت‌های مذهبی دیگر نسبتاً بالاست یا مسلمان در آنجا به‌نوعی از قدرت سیاسی برخوردار نیستند، به چنین الگوهایی بسنده کرده‌اند.

در جدول زیر به شکل خلاصه می‌توانید ویژگی‌های کشورهای مذکور را مشاهده کنید.^۱

جدول ۶. وضعیت سازمان‌دهی زکات به‌صورت تطبیقی در کشورهای اسلامی (نقیبی، کفش گر، ۱۳۹۵: ۲۳)

کشورها	زمان انتشار قانون زکات	نهاد مرتبط	نحوه سازمان‌دهی	نوع سازمان	مدیریت جمع‌آوری و توزیع
جمهوری اسلامی ایران	قانون اختیاری زکات در سال ۲۰۱۱ تصویب شده است.	شورای زکات مسئولیت سیاست‌گذاری را به عهده دارد. کمیته امداد امام خمینی مسئولیت اجرایی	شبه فدرالی	حاکمیتی	شوراهای زکات استانی، شهرستانی، شهری، روستا مشغول به فعالیت هستند. دفاتر استانی کمیته امداد مدیریت این مجموعه را به عهده دارد.

کشورها	زمان انتشار قانون زکات	نهاد مرتبط	نحوه سازمان‌دهی	نوع سازمان	مدیریت جمع‌آوری و توزیع
اندونزی	اختیاری آخرین قانون مدیریت زکات شماره ۲۳ سال ۲۰۱۱	هیئت ملی زکات ^۱	فدرالی	خصوصی	زکات از طریق هماهنگی هیئت ملی زکات جمع‌آوری می‌شود. بخش استانی مربوط به BAZNAS regency/city است؛ و زکات بخش خصوصی نیز (LAZ) نام دارد. (Nadzri, F. A, Rahman & Omar, N (,2012
					زکات پس از در نظر گرفتن اصول توزیع، بر اساس اولویت توزیع می‌شود عدالت، عدالت و نزدیکی سرزمینی. از زکات می‌توان برای فعالیت‌های تولیدی به‌منظور بهبود کیفیت زندگی استفاده کرد.
مالزی	اختیاری / اجباری قانون فدرال سال ۱۹۸۶	شوراهای اسلامی ایالات ^۲	فدرالی	خصوصی	زکات تحت نظارت هر یک از ۱۳ بخش مالزی و ۱ دولت فدرال جمع‌آوری می‌شود.
	همچنین هر ایالت قانون زکات خاص خود را دارد.				توزیع به‌صورت نقدی یا نوعی کالا و خدمات ارائه می‌شود

1- The National Board of Zakat (BAZNAS)

2- The State Islamic Religious Councils (SIRCs)

کشورها	زمان انتشار قانون زکات	نهاد مرتبط	نحوه سازمان دهی	نوع سازمان	مدیریت جمع آوری و توزیع
عربستان سعودی	اجباری حکم سلطنتی شماره ۸۶۳۴/۲۸/۲/۱۷ سال ۱۹۵۱	ریاست زکات و مالیات بر عواید وزارت دارایی و اقتصاد ملی ^۱	متمرکز	دولتی	افراد و شرکتها موظفانند طبق تعرفه‌های موجود زکات خویش را با اظهارنامه به وزارت دارایی اعلام کنند.
					توزیع به‌عنوان بودجه وزارت امور اجتماعی عربستان است.
سودان (همان: ۲۴)	اجباری زکات و مالیات قانون سودان، ۱۹۸۴ متشکل از ۶ فصل و ۴۶ مقاله	دفتر زکات وزارت ارشاد ^۲	متمرکز	دولتی	پرداخت زکات برای هر مسلمان سودانی و غیر سودانی ساکن یا مشغول کار در سودان اجباری است. برای غیرمسلمانان مالیات همبستگی اجتماعی نیز اجباری است.
					در این قانون مقرر شده است که توزیع زکات در همان استان انجام گیرد، مگر آنکه توسط رئیس‌جمهور تصمیم گرفته شود که از استان به استان دیگر منتقل شود.

1- The Zakat and Income Tax Department of the Ministry of Finance and National Economy
2- Zakat Bureau of the Ministry of Guidance and Direction

کشورها	زمان انتشار قانون زکات	نهاد مرتبط	نحوه سازمان‌دهی	نوع سازمان	مدیریت جمع‌آوری و توزیع
کویت	اختیاری قانون زکات (۱۶ ژانویه ۱۹۸۲) قانون شماره ۲۰۰۶/۴۶	سازمان زکات کویت ^۱	متمرکز	شبه‌دولتی	اهدای داوطلبانه افراد ثروتمند
					پرداخت ۱ درصد از سود شرکت‌های به دولت
اردن	اجباری قانون زکات شماره ۳۵ (۱۹۴۴)	هیئت‌مدیره صندوق زکات ^۲	متمرکز	دولتی	هشت صنف انحصاری سنتی
					زکات جمع‌آوری شده توسط قانون به صورت نقدی، دام، زمین، کالاها و دارایی‌های وارداتی
					پرداخت هزینه برای فقرا، نیازمندان و مدیر (بیش از ۱۰٪ نیست)

1- The Zakat House of Kuwait
2- Boards of Directors of Zakat Fund
3- Central Zakat Council headed by a Judge of the Supreme Court

کشورها	زمان انتشار قانون زکات	نهاد مرتبط	نحوه سازمان دهی	نوع سازمان	مدیریت جمع آوری و توزیع
پاکستان	اجباری ماده ۳۱ ماده قانون اساسی ۱۹۵۱	زکات مرکزی شورایی به ریاست یک قاضی از دادگاه عالی ^۳	متمرکز	دولتی / شبه دولتی	مقررات برای جمع آوری زکات بر حساب های بانکی و اوراق مالی به استثنای حساب های ارزی هستند. موارد زکات تعیین شده توسط شورای فقها
					پرداخت زکات مستقیم یا غیرمستقیم از طریق شوراهای محلی انجام می شود.
لیبی (مربوط به پیش از سقوط سرهنگ قذافی)	اجباری قانون زکات لیبی ۲۸ اکتبر ۱۹۷۱	تأمین اجتماعی، دبیرخانه کل ^۱	متمرکز	دولتی	مجموعه زکات فقط بر روی نقره، طلا، حیوانات مرتع و محصولات کشاورزی اجباری است.
					درآمد زکات توسط سازمان عمومی بیمه اجتماعی و انجمن دعوت اسلامی پرداخت می شود.

- 1- Social Security General Secretariat
- 2- Zakat institution consists of the Central Council and the Council of the Districts
- 3- Zakat Fund Board of Directors headed by a Gov Minister

کشورها	زمان انتشار قانون زکات	نهاد مرتبط	نحوه سازمان دهی	نوع سازمان	مدیریت جمع آوری و توزیع
بنگلادش	اختیاری قانون ۱۹۸۲	نهاد زکات متشکل از شورای مرکزی و شورای نواحی است ^۲	شبه متمرکز	خصوصی	پرداخت زکات اختیاری است.
					۵۰٪ درآمد زکات از طریق کمیته‌های محلی زکات پرداخت می‌شود درحالی‌که باقی‌مانده از طریق شورای مرکزی پرداخت می‌شود.



کشورها	زمان انتشار قانون زکات	نهاد مرتبط	نحوه سازمان دهی	نوع سازمان	مدیریت جمع آوری و توزیع
بحرین	اختیاری اساسنامه شماره ۸ برای ۱۹۷۹	هیئت صندوق زکات (متشکل از مدیران به ریاست وزیر دولت) ^۳	متمرکز	خصوصی	پرداخت زکات داوطلبانه است و پرداخت کننده مشخص می کند به چه گروهی برسد.
مصر	اختیاری قانون ۱۹۷۱	مؤسسات خصوصی و بانکها از جمله بانک ناصر	متمرکز	خصوصی	پرداخت زکات داوطلبانه است.
					توزیع زکات توسط بانکها و مؤسسات خیریه خصوصی انجام می شود.
یمن (پیش از جنگهای داخلی ۲۰۱۶)	اجباری قانون زکات ۱۹۹۹	اداره واجبات زیر نظر وزارت مالیه	متمرکز	دولتی	کشتزارها و باغات، چهارپایان، زکات فطره، نقدین، زکات اموال تجاری، زکات مستقلات، زکات کسب، زکات پس انداز بانکی
					مصارف هشت گانه سنتی (بیشتر توجه به فقرا و مساکین)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. الکا، پیت، مارگارت می، کارن راولینگسون. (۱۳۹۱) "سیاست‌گذاری اجتماعی"، ج. ۲ ترجمه علی‌اکبر تاج‌مزیانی و دیگران. - تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۲. زین‌العابدین، طیب. (۱۳۸۹) "زکات و کاهش فقر در جهان اسلام". ترجمه محمد عباسپور، مجله مشکوه، شماره ۵۹.
۳. رستگار، مرادعلی (۱۳۸۰) "بررسی تطبیقی نقش اقتصادی زکات در توسعه مناطق روستایی ایران و پاکستان"، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد. - تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۴. صالح‌آبادی، علی. (۱۳۸۴) "موسسه مالی زکات و نقش آن در تأمین مالی نیازهای جامعه اسلامی (بررسی موردی تجربه کویت)"، نشریه کتاب مجموعه مقالات بازارهای مالی اسلامی. - تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۵. عزتی، مرتضی، شهریاری، لیلا. (۱۳۹۱) "ارزیابی عملکرد کمیته امداد امام خمینی در زمینه جمع‌آوری زکات"، پژوهش‌نامه مالیات، شماره ۱۶.
۶. فیلیک، اوه. (۱۳۹۳) "درآمدی بر تحقیق کیفی"، ترجمه هادی جلیلی. - تهران: نشر نی.
۷. کارشناس، مسعود، مقدم‌النتاین. (۱۳۹۱) "سیاست‌گذاری اجتماعی در خاورمیانه"، ترجمه تاج‌مزیانی و دیگران. - تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۸. کاشیان، عبدالمحمد. (۱۳۹۵) "طراحی الگوی یکپارچه‌سازی نظام مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران"، رساله دکتری رشته علوم اقتصادی گرایش اقتصاد اسلامی. - تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۹. مرادی‌نقده، مهدی، حاج‌محمدی، فرشته، سبزو، محبوبه. (۱۳۸۸) "بررسی زکات در کشورهای عربستان، مالی، پاکستان". - تهران: سازمان امور مالیاتی کشور.
۱۰. ناجی، علی‌اکبر، مرتضوی، مرتضی، ارشدی، وحید. (۱۳۹۱) پنجمین همایش مالیات‌های اسلامی، "روش‌های پیاده‌سازی مالیات‌های اسلامی در قوانین مالیاتی عصر حاضر: مطالعه زکات در مالزی و عربستان". - تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۱. نقیبی، محمد، کفش‌گر، حسین. (۱۳۹۵) "مطالعه تطبیقی قوانین زکات در ایران و دیگر کشورهای اسلامی"، فصل‌نامه تخصصی دین و قانون، شماره ۱۲.
۱۲. یوسفی‌شیخ‌رباط، محمدرضا. (۱۳۹۵) "سیراندیشه اقتصادی متفکران مسلمان". - تهران: انتشارات سمت.
13. Beik, I.S. (2012) "Possible Implementation of iFSAP: Perspective of BAZNAS Indonesia", IDB Expert Group Meeting, Jeddah, Saudi Arabia
14. Bremer, Jennifer. (2013) "Zakat and Economic Justice: Emerging International Models and their Relevance for Egypt", 3rd Annual Conference on Arab Philanthropy and Civic Engagement, Tunisia
15. Ab Rahman, A., Alias, M. H., Omar, S. M. N. S. (2012) "Zakat Institution in Malaysia: Problems and Issues " Global Journal Al-Thaqafah. 2(1): 35-41.
16. Kahf, Monzer. (1989) "Zakat: Unresolved Issues in the Contemporary Fiqh". Journal of Islamic Economics, 2:1, 122.
17. Azam, Muhammad, Iqbal, Nasir, Tayyab, Muhammad. (2014) "Zakat and Economic Development: Micro and Macro Level Evidence from Pakistan" , Bulletin of Business and Economics, 3(2), 85-95.
18. Nadzri, F. A. A., AbdRahman,R., Omar, N. (2012). "Zakat and poverty alleviation: Roles of zakat", International Journal of arts and commerce, 1(7): 61-72.
19. shirazi, Nasim shah and Fouad bin amin. (2009) "Poverty Elimination through Potential Zakat Collection in OIC-Member Countries": Revisited. The Pakistan Development Review, 48(4): Part II :739754
20. Ashurov Sharofiddin, SM. A. (2019) " The Impact of Zakat Distribution on Social Welfare: a case study of selangor Zakat agenceies, MALAYSIA, Al-Shajarah: Journal of the International Institute of Islamic Thought and Civilization (ISTAC) , October. <https://journals.iium.edu.my/shajarah/index.php/shaj/article/view900>.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی